

# از جنبش‌های فیسبوکی تا جنبش‌های میدان‌های شهرها



admin | تیر ۲۳ ۱۳۹۳ | 0 Comments

یادداشت‌ها

Like 11 Tweet

نوشته جفری پلیرز\*

ترجمه مرکز مطالعات بی‌خسونت

استفاده از اینترنت باعث نشده است که کنش‌ها و جنبش‌های مجازی بر بسیج و خیزش کنش‌گران در «فضای فیزیکی» تفوق پیدا کنند. بر عکس، از سال ۲۰۱۱ اشغال مکان‌های همگانی - و به طور مشخص اشغال مکان‌های نمادین - یکی از ویژگی‌های اصلی این جنبش‌ها بوده است.

از زمان انقلاب‌های عربی و جنبش‌های اجتماعی که از آغاز دهه‌ی ۲۰۱۰ میلادی روی داده‌اند، نوشتارهای پیرامون استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های اجتماعی افزایش چشمگیری داشته است.

پیرامون نقشی که شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌هایی بازی می‌کنند که گاهی به آن‌ها «انقلاب‌های ۲.۰» گفته می‌شود، بحث جانداري شکل گرفته، که به جرم‌گرایی تکنولوژیک نیز آغشته است (غنیم، ۲۰۱۲). سه سال پس از این خیزش‌ها، می‌توان در مورد سه نکته با اطمینان سخن گفت:

۱. استفاده از اینترنت به غلبه‌ی کنش‌ها و جنبش‌های مجازی بر خیزش در «فضای فیزیکی» منجر نشده است. بر عکس، یکی از ویژگی‌های اصلی این جنبش‌ها از سال ۲۰۱۱، اشغال مکان‌های همگانی - و به طور مشخص اشغال مکان‌های نمادین - بوده است.

۲. اگر چه اینترنت یک فضای مجازی جهانی است، اما استفاده‌ی کنش‌گران از شبکه‌های اجتماعی در عمل به تقویت جنبش‌های ملی و محلی کمک کرده است.

۳. شبکه‌های اجتماعی و اینترنت جایگزین رسانه‌های گروهی نشده‌اند. رسانه‌های جایگزین و رسانه‌های کنش‌گر هنگامی به بالاترین میزان مخاطب دست پیدا می‌کنند که با رسانه‌های گروهی پیوند داشته باشند.

این ادعاها از تأثیر فناوری‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی را بر عاملان و جامعه‌های معاصر نمی‌کاهند. بر عکس، این ادعاها به این معنی هستند که توجه را باید به سوی محل تقاطع و تأثیرهای متقابل کنش‌های اینترنتی و غیر اینترنتی سوق داد؛ به سوی تأثیرهای متقابل و تضارب میان اینترنت و مکان طبیعی و فیزیکی.

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بی‌تردید باعث تقویت پیوستگی و انتشار شکل‌ها، عمل‌ها و پیام‌های جنبش‌های دموکراتیک در مقیاس ملی و بین‌المللی شده‌اند (واسی و چان، ۲۰۱۳؛ گلاسیوس و پلیرز، ۲۰۱۳). بدون افزایش شدید کاربران اینترنت در جهان عرب - به طور خاص در مصر - خیزش‌های اخیر شکل

بسیار متفاوتی می‌یافت (گرباندو، ۲۰۱۳)، و همچنین در روسیه (لانکیلا، ۲۰۱۲)، یا بدون وجود کنش‌گران جوانی که تصویرها و خواسته‌هایشان را از طریق یوتیوب و فیسبوک منتشر می‌کنند، یا به طور زنده در حال انجام تظاهرات یا از محل سرکوب کنش‌گران یا در حال برپایی چادرهای کنش‌گران در مکان‌های عمومی توبیت می‌فرستند (میسون، ۲۰۱۲).

عکس ۱: شماری از جوانان مصری در حال استفاده از اینترنت از طریق یک رایانه‌ی کیفی (لپ‌تاپ) در تظاهراتی علیه شورای عالی نیروهای مسلح در میدان تحریر، ۲۰۱۱. دموتیس / آدام خورشید. تمام حقوق محفوظ.

با این حال، برای شناخت نقش اینترنت در «انقلاب‌های عربی»، جنبش خشم (اعتراض‌های اسپانیا)، جنبش‌های اشغال یا جنبش‌های دموکراسی‌خواهی روسیه، ترکیه و برزیل، لازم است که تقابل‌های دوگانه میان جهان «مجازی» کنشگری اینترنتی و جهان واقعی خیزش‌های خیابانی و میدانی را شناسایی کنیم.

کنشگری آنلاین و ریشه‌داشتن در یک سرزمین، پیوندهای جهانی و چهارچوب‌های ملی، استفاده از رسانه‌های جایگزین و مراجعه به رسانه‌های گروهی، در راستای هم و همخوان با یکدیگر هستند، نه در تقابل.

### از شبکه‌های اجتماعی تا میدان‌های شهر

شبکه‌های اجتماعی به عنوان فضاهایی مناسب برای بسیج و خیزش اجتماعی، نشر اطلاعات و تبادل تجربه‌ها به شمار می‌روند، به طوری که انقلاب‌های عربی و خیزش‌های مدنی برزیل را «جنبش‌های فیسبوکی» نام نهاده‌اند.

با این حال، شهروندان در سراسر جهان فضاهای همگانی را به اشغال خود در آورده‌اند تا با به دست دادن معنایی متفاوت از «منطقه‌های خودمختار موقت» و با تغییر آرایش نیروهای آن، (بی، ۱۹۹۷)، با برپایی چادرهای (اردوگاه‌های) کنشگران-تغییردهندگان (پلیرز، ۲۰۱۰) و با ایجاد فضاهای آزمایش‌گری دموکراتیک، شخصیت همگانی و سیاسی خود را به ثبوت برسانند. این امر تا به آنجاست که بسیاری از این جنبش‌ها به نام مکان‌هایی که اشغال کرده‌اند نامیده می‌شوند: جنبش میدان تحریر در قاهره، جنبش لا پلازا دل سول در مادرید، سینتاگما در آتن، جنبش پارک گزی در استانبول، جنبش «اشغال وال استریت» در نیویورک، «اشغال آبی» در مسکو یا جنبش «اشغال سینه‌لاندیا» در ریو د ژانیرو.

عکس ۲: همزمان با گام نهادن مهمانان بر فرش قرمز در جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم ریو د ژانیرو، تظاهرکنندگان به اعتراض می‌پردازند. این اعتراض‌ها در مخالفت با شبکه تلویزیونی گلوبو و استاندار سرجیو کابرال صورت می‌گرفت.

دموتیکس/مارسیو اینسنسی / سا. تمام حقوق محفوظ.

کنشگری آنلاین باعث تقویت خیزش‌ها و بسیج در خیابان‌ها و میدان‌های شهرها برای این‌گونه جنبش‌ها شده است، چرا که به عنوان مثال اطلاع‌رسانی آنلاین می‌تواند به گسترش و تقویت یک تظاهرات یا اشغال مکان‌های عمومی با برپایی چادرهای معترضان بیانجامد.

از سوی دیگر، مانوئل کاستلز (۲۰۱۲) نقش رسانه‌های اجتماعی را به عنوان «فضاهایی به نسبت حفاظت شده» در قلمرو رژیم‌های خودکامه مورد اشاره قرار می‌دهد. چنین فضاهایی امکان ایجاد «شبکه‌های خشم» را فراهم می‌کنند که به واسطه‌ی آن‌ها گذار از فضای خصوصی و مجازی به فضای همگانی و میدان‌های شهرها امکان‌پذیر می‌شود (نگاه کنید به فرناندز و فریتاس روسنو، ۲۰۱۳ برای خیزش‌ها در برزیل؛ خسروخاور، ۲۰۱۲، گرباندو، ۲۰۱۳ و سانچز گارسا، ۲۰۱۳ برای انقلاب‌های جهان عرب).

افزون بر این، این جنبش‌ها تماس‌های آنلاین را چندین برابر افزایش داده‌اند، اما علاوه بر آن بسیاری از «کنشگران آنلاین» را نیز دوباره با فضاهای محلی، گردهمایی‌ها و ابتکار عمل‌های موجود در محله یا شهرشان مرتبط نموده‌اند. به طور همزمان، در بسیاری از کمپ‌های چادری اشغال مکان‌های همگانی استفاده از شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ای بود که تجربه‌ی ذهنی کنشگران هم از طریق مکان و ارتباط‌های فیزیکی در محل شکل می‌گرفت و هم از طریق فعالیت‌های آنلاین.

با این حال، کنش و واکنش میان کنشگری اینترنتی و غیر اینترنتی خالی از تنش نیست. چندین قوم‌نگار به مشکل‌هایی اشاره می‌کنند که از تفاوت‌های میان همایش‌های اینترنتی و مشارکت‌کنندگان گردهمایی‌های غیر اینترنتی ناشی می‌شوند.

برای مثال، تامسین موری-لیچ و شان دین (۲۰۱۴) در تحلیل‌شان از تعاملات اینترنتی و غیر اینترنتی در جریان اعتراض‌های اشغال بازار بورس سهام لندن نشان می‌دهند که چگونه جدول زمان‌بندی ملاقات‌های فعالان که توسط یک گروه‌کاری متشکل از مشارکت‌کنندگان در محل و کنشگران آنلاین تنظیم می‌شد، بعداً به دست کنشگران آنلاین تغییر داده می‌شد بدون اینکه با مشارکت‌کنندگان حاضر در محل مشورت شود.

کنش‌گران اغلب «کنشگری کلیکی» را نکوهش می‌کنند چرا که این نوع کنشگری آنلاین با واقعیت در تماس نیست و به فرد این احساس کاذب را می‌دهد که در فعالیتی اعتراضی شرکت می‌کند در حالی که کار او هیچ تأثیر ملموسی بر جامعه ندارد (کاردون، ۲۰۱۰؛ ماروزوف، ۲۰۱۳). پائولو گربانودو (۲۰۱۲) این‌گونه توضیح می‌دهد که در خیابان‌های قاهره و نیز نیویورک، کسانی که میدان‌ها را به اشغال خود در می‌آورند تأکید می‌نمایند که آن‌ها با «کسانی که در فیسبوک نظر می‌دهند و 'لایک' می‌کنند» فاصله دارند و باور دارند که «واقعاً باید مردم را از پای اینترنت بلند کرد».

علاوه بر این، همراه با گسترش «جنبش‌های میدانی»، شهرهای گوناگونی شاهد افزایش گروه‌های کنشگران فراملی بوده‌اند که به طور اینترنتی در تماس مدام با یکدیگر هستند. این نسل کارگزاران که دانش فنی بسیار بالایی نیز دارند (تارو، ۲۰۰۵) و سازمان‌دهندگان جنبش‌های اجتماعی بر دانشی اتکا می‌کنند که از جنبش‌های پیشین به دست آورده‌اند و اغلب بیش از حد بر ویژگی وحدت‌بخش تماس (اینترنتی) بین جنبش‌ها در کشورهای مختلف تأکید می‌کنند.

یک کنش‌گر اسپانیایی چند روز پیش از شروع موج اعتراض‌های برزیل در ژوئن ۲۰۱۳، اعتراض‌های فعالان پارک گزی استانبول را به طور زنده برای کنش‌گران شهرهای سائو پائولو و پورتو آگرو پخش کرد. او معتقد است که تماس مستقیم با اعتراض‌های استانبول یکی از محرک‌های اصلی خیزش‌های برزیل بوده است.

تصویر شبکه‌های به‌هم پیوسته‌ی جهانی یکی از مشخصه‌های هویتی گروهی جهان‌شهری و فن‌آور از کنشگران عابری است که می‌توانند پخش زنده‌ی اینترنتی اعتراض‌های یک کشور را برای دیگر کشورها سازماندهی کنند، همایش‌های آنلاین جهانی را با کمک نرم‌افزارهای متن‌بازی مانند مامبل (Mumble) برگزار کنند و اغلب روزنامه‌نگاران کشورهای دیگر در باره‌ی آن‌ها می‌نویسند. اما چشم‌اندازهای جهانی آن‌ها اغلب متفاوت است از تجربه‌ی اکثریت تظاهرکنندگانی که عامل‌های محلی و ملی را علت خشم و مطالبه‌های خود می‌دانند.

### شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های ملی

اینترنت به ما امکان می‌دهد که با یک کلیک از مرزها عبور کنیم و پیرامون جهان سفر کنیم. اما، آیا این کار شهروندان و کنش‌گران را از قید مکان آزاد می‌کند؟ کنترل اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در تونس زیر حکمرانی بن علی (لیکومت، ۲۰۱۳) یا در چین به ما یادآوری می‌کند که شبکه‌ی جهانی چنان نیست که همواره به فرد توانایی بدهد که از سرزمین خود بگریزد. حتا بدون اجبار رژیم‌های خودکامه، استفاده‌ی گسترده‌ی کنش‌گران جنبش‌های اخیر از شبکه‌های اجتماعی به شکلی تناقض‌آمیز باعث شده است که جنبش یا موجی از افکار عمومی بیش از پیش «ملی شود»، نه بین‌المللی. [۱]

عکس ۳: صفحه‌ی فیسبوک در حمایت از یک جواهرفروش در شهر نیس فرانسه که یکی از دزدان مغازه‌اش را کشت.

استفاده‌ی گسترده از شبکه‌های اجتماعی برای مثال به ایجاد اردوگاه‌های خشم در شهرهای اسپانیا کمک کرده است، که جمعیتی بیش از ۳۰،۰۰۰ نفر (فیکسا، ۲۰۱۳) در آن شرکت کردند، و در کشوری که به داشتن تمایل‌های منطقه‌ای قوی مشهور است، جنبشی با ویژگی‌های ملی پدید آوردند [۲].

در مکزیک، دانشجویان جنبش موسوم به «YoSoy132#» علیه حمایتی که دو شبکه‌ی عمده‌ی تلویزیونی در کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۲ از رئیس‌جمهور فعلی کردند، با اتحاد دست به اعتراض زدند. این جنبش که به شکل یک کنش از یکی از دانشگاه‌های شهر مکزیکو سیتی شروع شد، با کمک ویدیویی که در سایت یوتیوب و سایر شبکه‌های اجتماعی قرار داده شد، به سرعت از حمایت گسترده برخوردار شد. این هیجان اینترنتی به برگزاری

تظاهرات در همی ۳۲ مرکز استان انجامید، امری که نشان‌دهنده‌ی خصلتی ملی است که به ندرت در جنبش‌های اجتماعی پیشین دیده شده بود.

به همین شکل، در برزیل (فرناندز و فریتاس روسینو، ۲۰۱۳)، مراجعی گسترده‌ی کنشگران به شبکه‌های اجتماعی با ویژگی ملی اعتراض‌هایی همزیستی دارد که در آن‌ها معترضان با استفاده از پرچم و نشان‌های ملی خواستار آینده‌ای بهتر برای کشورشان بودند. در اروپا، تحولات همایش‌های اجتماعی قاره‌ای رو به کاهش هستند و جای آن‌ها را اغلب جنبش‌های ملی مخالف ریاضت اقتصادی، از قبیل جنبش نیوکاتس در بریتانیا، راهپیمایی‌های مادرید در اسپانیا، یا روزهای تظاهرات در یونان گرفته است. اگر چه خیزش‌های سال ۲۰۱۰ دارای چند بُعد مشترک جهانی بودند (پلیرز و گلاسیوس، ۲۰۱۳)، همه‌گیر شدن اینترنت و استفاده‌ی کنشگران از آن همپا و دوشادوش با کاهش جنبش‌های ملی و به نفع جنبش‌های اروپایی و جهانی پیش نرفته است. بر عکس، این روند با قوت گرفتن بُعدهای ملی اعتراض‌های بیشتر شهروندان ملازم است.

### شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های گروهی

دومینیک کاردون و فابیان گرانجان (۲۰۱۰) بر نقش چشمگیر اینترنت در «بازتعریف شیوه‌ی تولید اطلاعات و انتقاد از جعل اطلاعات و تحریف کردن جهات با ارائه‌ی اطلاعات انحرافی» تأکید می‌کنند. بلاگ‌ها، بلاگ‌های خرد (میکرو بلاگ‌ها) و سایر کانال‌های دیگرسان و جایگزین اطلاعات تا حدودی با نفوذ رسانه‌های گروهی مقابله می‌کنند. با این وجود، شیوه‌های متفاوت و جدید اطلاع‌رسانی جای رسانه‌های گروهی را نمی‌گیرند. گوسناو و کاردوسو (۲۰۱۲) اشاره می‌کند که چشم‌انداز رسانه‌های ما را شبکه‌ی جهانی اینترنت به سلطه‌ی خود در نیآورده است، بلکه از سوی همپوشانی و پیوند میان رسانه‌های گروهی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های اینترنتی در بر گرفته شده است. بنا بر این، برای درک جنبش‌های معاصر و شیوه‌ی استفاده‌ی آن‌ها از فناوری‌های نوین اطلاع‌رسانی و ارتباطات، لازم است که ما نقش رسانه‌های گروهی و تعامل آن‌ها با شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی را در تحلیل‌هایمان در نظر بگیریم.

کنش و واکنش میان رسانه‌های جایگزین و رسانه‌های گروهی اغلب شکل مقابله‌جویانه به خود می‌گیرد، چرا که رسانه‌های جایگزین رسانه‌های گروهی را متهم به همدستی با نخبگان سیاسی و اقتصادی می‌کنند.

در مکزیک، جنبش دانشجویی #YoSoy132 رسانه‌های تلویزیونی تلهویزا، کنسرسیون اصلی رسانه‌ای در مکزیک، را آماج اعتراض خود قرار داد، نه نهادهای ملی حکومتی، و به این ترتیب تبلیغات حزبی به نفع یکی از نامزدها در انتخابات ریاست جمهوری را محکوم کردند.

به طور مشابه، در برزیل نیز شعارهای فراوانی به نقش کنسرسیون «گلوبو» اشاره می‌کردند و شیوه‌ی پوشش آن‌ها از اعتراض‌ها را محکوم می‌کردند. در پی آن، تظاهرات فراوانی به طور منظم در مقابل دفتر مرکزی «گلوبو» در سائو پائولو برگزار گردید.

کنشگران مصری ده‌ها ویدئوی کوتاه از سرکوب‌ها و بدرقاری‌های پلیس منتشر کرده‌اند، اما این ویدئوها پس از آن اقبال انتشار گسترده را یافتند که شبکه‌ی الجزیره آن‌ها را پخش نمود، و در نتیجه در شهرک‌های پیرامون قاهره نیز در دسترس مردم قرار گرفتند (میسون، ۲۰۱۱؛ سانچز گارسیا، ۲۰۱۲).

خواسته‌های ۴۰۰ تن از کسانی که در مقابل بازار بورس سهام لندن چادرهای اعتراضی بر پا کرده بودند به گونه‌ای خارج از انتظار در سرمقاله‌های روزنامه‌های فایننشال تایمز (۲۱ نوامبر ۲۰۱۱) و اکونومیست (۲۶ نوامبر ۲۰۱۱) بازتاب پیدا کرد. حتا شماری از روزنامه‌های عمده‌ی چینی نیز خواسته‌های کنشگران اینترنتی را بازتاب داده‌اند: یکی از کنشگران ضد سلاح هسته‌ای می‌نویسد، «مدار بسته‌ی پاتوق‌های سازمانی و اداری نمی‌توانند موجی از اخبار و اطلاعات را راه بیاندازند. اما وقتی من در باره‌ی این روند در حساب خودم در ویبو (Weibo) توضیح دادم، رسانه‌های چینی آن را برداشتند» [۳].

رسانه‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی انتقال سریع اطلاعات به رسانه‌های گروهی را تسریع می‌بخشند، که آن‌ها هم به نوبه‌ی خود به گسترش فراگیر و اعتبار بخشی به آن اطلاعات کمک می‌کنند.

افزون بر این، خط میان رسانه‌های گروهی و رسانه‌های مشارکتی در حال محو شدن است. رسانه‌های گروهی با شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده‌ی کنشگران تعامل دارند. یکی از دلیل‌های شایان ذکر آن این است که این رسانه‌ها از بینندگان خود، از جمله کنشگران، می‌خواهند که دیدگاه‌ها و مطالب خود را برای

برنامه‌ی خبری آن‌ها بفرستند و به طور مرتب اخبار، تصویرها یا دیدگاه‌های خود را در وبسایت‌هایشان منتشر کنند (بنت و سیگربرگ، ۲۰۱۲).

از سوی دیگر، پژوهش‌ها و اطلاعات ارائه شده از سوی رسانه‌های گروهی نیز مورد استفاده‌ی رسانه‌های اجتماعی و وبسایت‌های شبه نظامیان واقع می‌شود. برای مثال جنبش مکزیکی #YoSoy132 به طور گسترده‌ای یافته‌های یکی از روزنامه‌نگاران گاردین [۴] را منتشر کرده است که در آن افشا نموده است که تلمویزا، بزرگترین گروه تلویزیونی مکزیک، در ازای دریافت پول اقدام به پوشش خبری موافقت‌آمیز و جانبدارانه برای یکی از نامزدهای ریاست جمهوری مکزیک نموده است.

## زندگی روزمره و تعهد عمومی

شکاف تحلیلی بین کنش‌گری «اینترنتی» و «غیر اینترنتی» یک رابطه‌ی دوگانه‌ی پرسش‌برانگیز دیگر را نیز آشکار می‌کند: چیزی که زندگی روزمره را از سیاست جدا می‌کند.

اغلب به لحاظ تحلیلی به مشارکت سیاسی همچون فضایی همگانی و بریده از زندگی روزمره نگریسته می‌شود (که امروزه شامل اینترنت نیز می‌شود)، گویی تنها کنش‌هایی مهم هستند که به نهادهای سیاسی اشاره داشته باشند و بتوانند در رسانه‌های گروهی جایی برای خود بیابند.

اما جنبش‌هایی که آغاز این دهه را رقم زده‌اند، زندگی شخصی و مشارکت همگانی را به شدت با یکدیگر در هم آمیخته‌اند. دلیل‌هایی که بسیاری از شهروندان را به خیابان‌ها کشاند با زندگی روزمره‌ی آن‌ها مرتبط بود. در برزیل، هزینه‌ی شدامد عمومی (رفت و آمد با وسیله‌های نقلیه‌ی همگانی) و وضعیت ساختار اجرایی آن جرقه‌ی اعتراض‌ها را زد. به همین شکل، شهروندان روسی از تحقیرهایی که در زندگی روزمره بر آن‌ها روا داشته می‌شد به خشم آمده بودند و خشم خود را علیه فساد یا حس مصونیت حاکمان یا پلیس محلی ابراز می‌کردند (کلمنت، ۲۰۱۱).

شیوه‌های مشارکت بیانگرانه که در جنبش‌های کنونی وجود دارد این جدایی بین جهان و زندگی روزمره و شهروندی را در زمینه‌های دیگری نیز به چالش می‌کشد (مک‌دانلد، ۲۰۰۶). دوستی و تعهد دو خصلتی هستند که در انتشار اینترنتی اطلاعات جایگزین، در تجربه‌ی نظامی‌گری، و در اردوهای برپایی چادرهای اشغال میدان‌ها، با یکدیگر مرتبط هستند.

یک الزام و تعهدی وجود دارد مبنی بر اینکه [برخی موارد نباید در رسانه‌های گروهی منعکس شوند] و تجربه‌های شخصی و خود-بیانگری دو جزء جدایی‌ناپذیر این الزام هستند. تعهدی که «انتظار ندارد فرد گرایش جنسی خود را افشا کند، همان‌گونه که از شخصیت‌های نظامی انتظار می‌رفت که زندگی شخصی خود را ایتار کنند و خود را وقف رفاه و بهبود عمومی نمایند» (کاردون، ۲۰۱۰: ۷۲).

اگر یک رسانه وجود داشته باشد که زندگی خصوصی و مشارکت اجتماعی را با هم در می‌آمیزد، و سکویی برای بیان فردی فراهم می‌نماید، همانا رسانه‌ی اجتماعی است. در صفحه‌های فیسبوک یا وکونتاکت‌های جوانانی که نگران اعتراض‌ها در برزیل یا مسکو هستند، تصویر پلیس‌هایی که با تظاهر کنندگان بدرقاری می‌کنند به دنبال تصویر این جوانان در شب در میان دوستانشان دیده می‌شود؛ یا دیدگاه‌هایشان در مورد دموکراسی در برزیل بعد از پیام‌های شخصی‌شان بیان شده است.

به یقین این یکی از دلیل‌هایی است بر اینکه شهروندان به پا خاسته برای سازماندهی جنبش‌ها، انتشار اطلاعات یا تشکیل گردهمایی‌های آنلاین یا حضوری از توییتر، فیسبوک [۵] و معادل‌های ملی این شبکه‌ها استفاده می‌کنند، و نه از نرم‌افزارهای (بسیار کارآمدی) که توسط کنش‌گرن طراحی شده‌اند.

عوامل جنبش‌های اجتماعی امروزی در نتیجه‌ی کنش و واکنش و امتزاج بین کنشگری آنلاین و فضای همگانی، شبکه‌های اجتماعی و همزیستی اردوها و اقدام‌ای عملی کنشگران، زندگی روزمره و کنشگری سیاسی پدیدار می‌شوند.

\*این مطلب ترجمه ای است از From Facebook movements to city square movements منتشر شده

در <http://www.opendemocracy.net/geoffrey-pleyers/from-facebook-movements-to-city-square-movements>

## پی‌نوشت:

بیت ل، سیگربرگ آ (۲۰۱۲) منطق کنش پیوند دهنده، اطلاعات، ارتباطات و جامعه، ۱۵:۵، ۷۳۹-۷۶۸.

کاردون د. (۲۰۱۰) اینترنت دموکراتیک، پاریس سیویل.

کاردون د. گرانجان ف. (۲۰۱۰) کنشگران رسانه‌ای، پاریس پرسز د ساینسز پو.

کاردوسو گ. (۲۰۱۲) جهان زندگی شبکه‌ای: چهار بعد فرهنگ تعلق شبکه‌ای، آزروراتوریو، صص ۱۹۷-۲۰۵.

کاستلز م. (۲۰۱۲) شبکه‌های خشم و امید، کمبریج: حکومت‌داری (پالیتی).

Clément C. (2012) Mobilisations citoyennes russes. Le quotidien au cœur des protestations, La vie des idées, 11 décembre.

Feixa C., Nofre J., dir. (2013) #GeneraciónIndignada. Topias y Utopias del 15M, Lleida: Milenio

Fernandes E., Freitas R. (2013) Protesta Brasil. Das redes sociais as manifestações de rua, Sao Paulo:Prata.

گریثودو پ. (۲۰۱۲) توییت‌ها و خیابان‌ها، لندن: پلوتو

غنیم و. (۲۰۱۲) انقلاب ۲۰۰ - قدرت مردم بزرگتر است از مردمی است که در قدرت هستند، لندن: فورث استیت.

گلاسیوس م.، پلیرز گ. (۲۰۱۳) لحظه‌های ۲۰۱۱: دموکراسی، عدالت اجتماعی، توسعه و تغییر، شماره ۴۴(۳): ۵۴۷-۵۶۷

خمیس س.، گلد پ.، وان ک. (۲۰۱۲) «فراسوی "انقلاب فیسبوکی مصر" [۱۶]»، رسانه‌ها و جامعه‌ی عرب، ۱۵

Lecomte R. (2013) Expression politique et activisme en ligne en contexte autoritaire : une analyse du cas tunisien, Réseaux 181, p. 51-86.

لانکیلا م. (۲۰۱۲) اعتراض روسی، اینترنتی و غیر اینترنتی، خلاصه‌ی مقاله ص ۹۸، هلسینکی: انستیتیوی امور بین‌الملل فنلاند.

میسون پ. (۲۰۱۱) چرا همه جا اعتراض بر پا شده است: انقلاب‌های جدید جهانی. لندن: ورسو

مک‌دونالد ک. (۲۰۰۶) جنبش‌های جهانی، لندن: بلکول.

ماروزوف ای. (۲۰۱۳) برای نجات جهان اینجا را کلیک کنید، نیویورک: پابلیک افیرز.

موری-لیچ ت.، دیل س. (۲۰۱۴) اشغال بورس سهام لندن، منتشر شده در: کالدور م. سلجو س. د (دبیر)؛ سیاست زیرزمینی، لندن: پالگریو.

پروگوریا آی.، تژرینا ب. (۲۰۱۳) سیاست رویارویی: شناخت، احساسات، و شبکه‌ها؛ منتشر شده در اسپانیش ۱۵م، جامعه‌شناسی معاصر، شماره ۴۱(۴)

صص ۴۲۴-۴۲۲

پلیرز گ. (۲۰۱۰) جهانی‌سازی تغییر دهنده، کمبریج: پالیتی.

Sanchez García J. (2013) Tahrir y la cultura del rechazo, In: Feixa C. & Nofre J. eds. « #Generación Indignada », Lleida : Milenio.

تارو س. (۲۰۰۵) کنشگری فراملیتی نوین، کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.

پاسی آی.ب.، سو.سی. (۲۰۱۳) اعتراض در زمانه‌ی اینترنت: توجه عمومی، رسانه‌های اجتماعی، و گسترش اعتراض‌های «اشغال» در ایالت‌های متحد آمریکا، کارگاه سیاست و اعتراض، ۱۳ فوریه.

[۱] این دیدگاه تنها به جنبش‌های مترقی محدود نمی‌شود. بلکه به همان اندازه شامل جنبش‌های کمتر مترقی نیز می‌شود – حتی شاید بیش از جنبش‌های مترقی. ۹۶٪ از ۱.۸ میلیون «لایک» زده شده در صفحه‌ی فیسبوک به حمایت از جواهر فروش اهل شهر نیس فرانسه که یکی از دزدان را در حال فرار کشت، توسط یک فرد فرانسوی انجام شده بود (منشأ هوادارن صفحه‌ی فیسبوکی «[Soutien au bijoutier de Nice]» در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳ در ساعت ۹:۰۰). هر چند شکی نیست که مانع زبانی وجود دارد، واقعیت شبکه‌ی اینترنت در آن حدی نیست که بتواند دلیل این امر را توضیح دهد که چرا فردی که در فرانسه، کبک یا بخش فرانسوی زبان سویس زندگی می‌کند باید این‌گونه مشتاق به دوست داشتن چنان صفحه‌ای باشد.

[۲] بر خلاف کاتالونیا، ناحیه‌ی باسک در جنبش خشم کمتر فعال بوده است. (پروگوریا و تژرینا، ۲۰۱۳)

[۳] Gabriel Grésillon, Nucléaire : quand le peuple de Chine se rebiffe, Les échos, 26 juin 2012, p. 8 ;

[۴] Voir en particulier l'édition du 7 juin 2012.

[۵] در طول نخستین انقلاب مصر، از فیسبوک و توئیتر به طور گسترده‌ای استفاده شد (گربائودو، ۲۰۱۲). افراد بسیاری به طور گسترده تأثیر وحدت‌بخش صفحه‌ی فیسبوکی «ما همه خالد سعید هستیم» را تصریح کرده‌اند. (غنیم، ۲۰۱۲).

← Previous post

Next post →